

کورنوکوپیا در سپهر نشانه‌ای عصر اشکانی

صفورا برومند*

چکیده

کورنوکوپیا یا شاخ نعمت، از جمله نمادهای فرهنگی و اجتماعی است، که در اروپا و ایالات متحده آمریکا، مظهر فراوانی و برکت به شمار می‌رود. منشاء کورنوکوپیا به اساطیر یونانی باز می‌گردد و به بخشی از افسانه‌ی زندگی زئوس، بزرگ‌ایزد یونانی، و نیز به داستان‌های اسطوره‌هایی چون هرکول، هیدیس، دیمتر و تیشه مرتبط می‌شود، اما نقش کورنوکوپیا را بر روی برخی نقش‌برجسته‌ها و سکه‌های دوره‌ی اشکانی نیز می‌توان شناسایی کرد و برخی از معدود اشیاء بازمانده از آن عصر، به صورت کورنوکوپیا یعنی به شکل شاخی میان‌تهی طراحی و ساخته شده‌اند. در این مقاله، به شیوه توصیفی - تحلیلی، ضمن معرفی این آثار، معنا و دلالت ضمنی کورنوکوپیا با رویکرد نشانه‌شناختی فرهنگی، در عرصه‌ی سپهر نشانه‌ای دوره‌ی اشکانی بررسی شده است. حاصل این پژوهش، از توجه اشکانیان به استفاده خوبشکاری نماد کورنوکوپیا در تبیین اقتدار و مشروعیت حکومت آنان، به‌ویژه در محل سکنا‌ی مهاجرنشین‌های یونانی در میان‌رودان حکایت می‌کند.

واژه‌های کلیدی: کورنوکوپیا، شاخ نعمت، اشکانیان، سکه‌های اشکانی، نشانه‌شناسی فرهنگی، دلالت ضمنی، سپهر نشانه‌ای.

* استادیار و عضو هیأت علمی پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

(s.boruand@ihcs.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۶/۸ تاریخ تایید: ۹۴/۱۱/۱۹

مقدمه

کورنوکوپیا^۱، برگرفته از واژه‌ی لاتین *cornucopiae* به معنای شاخ نعمت^۲، از نمادهای پرکاربرد در فرهنگ ایالات متحده آمریکا و اروپا و به طور کلی، از نمادهای هنر غرب محسوب می‌شود. کورنوکوپیا به شکل شاخ بُز مجسم می‌شود، که مملو از میوه‌ها، گل‌ها، گیاهان و خشکبار است. شاخص‌ترین کاربرد آن در امریکای شمالی و در مراسم روز شکرگذاری^۳ است، که تاریخچه‌ی آن به زمان نخستین برداشت محصولات مهاجران در ساحل شرقی ایالات متحده آمریکا در پلیموت^۴ و ۱۶۲۱ بازمی‌گردد.^۵ کورنوکوپیا، یکی از طرح‌هایی است که در بسیاری از آثار هنری تاریخ اروپا از جمله مجسمه‌های یونانی و رومی، نقاشی‌های رنسانس و حتی نشان‌ها و لوگوهای عصر حاضر نیز به کار رفته است. در تمامی این آثار، کورنوکوپیا یا شاخ نعمت مبین برکت، فراوانی، رزق و روزی است. ریشه‌ی افسانه‌ی کورنوکوپیا و خویشکاری آن به اساطیر یونانی بازمی‌گردد که در ادامه‌ی این مقاله به آن پرداخته خواهد شد.

نکته‌ی حائز اهمیت، کاربرد طرح کورنوکوپیا در هنر دوره‌ی اشکانی است. بر این اساس، با توجه به پس‌زمینه‌ی یونانی این نماد، پرسشی که مطرح می‌شود این است که معنا و دلالت ضمنی کورنوکوپیا در متون تصویری دوره‌ی اشکانی چیست؟ پاسخ به این پرسش با تکیه بر رویکرد نشانه‌شناختی فرهنگی کورنوکوپیا و خویشکاری آن در عرصه‌ی سپهر نشانه‌ای دوره‌ی اشکانی بررسی می‌شود. رویکرد نشانه‌شناختی فرهنگی، مبتنی است بر دیدگاه یوری لوتمان^۶ درخصوص تفسیر فرهنگ به عنوان متن، در فضای خاص تولید

1. Cornucopia

2. κέρας της αφθονίας, Horn of Plenty

۳. سابقه‌ی برگزاری Thanksgiving Day به دوران اصلاحات دینی دوره هنری هشتم و تقویم کاتولیک در بریتانیای قرن شانزدهم میلادی، بازمی‌گردد. داستان‌هایی نیز درباره‌ی برگزاری روز شکرگذاری در تاریخ کانادا و زمان ورود نخستین کاشفان و مهاجران به این سرزمین در قرن هجدهم میلادی، در دست است. جشن شکرگذاری در اسپانیا، آلمان، هلند، استرالیا، لیبریا و حتی ژاپن نیز برگزار می‌شود.

4. Plymouth

5. James W. Baker, (2009), *Thanksgiving: the biography of an American holiday*. UPNE. pp. 1-14, Solski, Ruth "Canada's Traditions and Celebrations" McGill-Queen's Press, p.12.

6. Yuri (Juri) Lotman

کورنوکوپیا در سپهر نشانه‌ای عصر اشکانی ۳

شده‌ی آن که «سپهر نشانه‌ای»^۱ نامیده می‌شود و با نظام حافظه‌ای در ژرفای زمان موجودیت می‌یابد، مقاله‌ی حاضر، به تفسیر این رویکرد می‌پردازد.

درخصوص مقالاتی که به چیستی و تاریخچه کورنوکوپیا پرداخته‌اند می‌توان فرهنگ‌های اسطوره‌شناختی را نام برد. آن بخش از مباحث اساطیری که به زندگی زئوس و نیز هرکول مرتبط می‌شود، شامل مطالبی درباره کورنوکوپیا نیز می‌شود. از جمله مقالاتی که به بررسی مقایسه‌ای کورنوکوپیا در هنر شرقی پرداخته‌اند، عبارتند از:

مقاله *Nidhisrriga (cornucopia): A Study in Symbolism* اثر موتی چاندر^۲، که منشایی ودایی را برای کورنوکوپیا در نظر می‌گیرد.^۳

مقاله *Nagarjunakonda: A Cultural Study* اثر کوناکوندلا کریشنا مورتی^۴، که منشا هندی را برای کورنوکوپیا معرفی می‌کند.^۵

مقاله *Cornocopia non est nidhisrrnga* اثر آدالبرت ج. گیل، که به بررسی ویژگی‌های کورنوکوپیا و نیدهیشرنگ^۶ در هنر کوشانی می‌پردازد و فرضیه‌های ارائه شده در دو مقاله پیشین را رد می‌کند.^۷

مقاله *Meaning of Rytha and Meanings of Old Nisa* اثر نیکولو ماناسرو^۸، نیز ضمن بررسی نمادهای ریتون‌ها (تکوک‌ها)ی به دست آمده از نیسا، به معرفی خویشکاری هستیا^۹ از ایزدبانوان اساطیر یونانی می‌پردازد و از آن‌جا که هستیا یا معادل رومی وی وستا^{۱۰} گاه با کورنوکوپیا در دست چپ مجسم شده است، همانندی او با تَبیتی^{۱۱}، ایزدبانوی

1. Semiospher
2. Moti Chandra
3. Moti Chandra, (1964-1966), "Nidhisrriga (cornucopia): A Study in Symbolism", *Prince of Wales Museum Bulletin*, No. 9, pp. 1-33.
4. Konakondla Krishna Murthy
5. Konakondla Krishna Murthy, (1977), *Nagarjunakonda: A Cultural Study*, Delhi: Naurang Rai, p. 229, ff. 9.
6. *nidhisrrnga*
7. Adakbert Gail, *Cornocopia non est nidhisrrnga*, Freie Universitat Berlin, available online: https://www.academia.edu/7836648/cornucopia_non_est_nidhisrrnga (accessed October 13, 2015)
8. Niccolo Manaserro
9. Hestia
10. Vesta
11. Tabiti

اسکیتی و نیز به عنوان نماد فرّه - خورنه بررسی می‌کند.^۱ مقاله حاضر، نخستین اثری است که کورنوکوپیا را به عنوان نماد و خویشکاری آن در عصر اشکانی بررسی می‌کند.

کورنوکوپیا یا شاخ نعمت در اسطوره‌شناسی یونانی

کورنوکوپیا یا شاخ نعمت در اساطیر یونانی، شاخ بزی به نام آمالئا^۲ است که از زئوس^۳ یا ژوپیتر^۴ نوزاد نگهداری می‌کند.^۵ اسطوره‌های یونان باستان نیز در مورد آمالئا، کیستی یا چیستی او تعریف واضحی به دست نمی‌دهند. وجه تسمیه‌ی نام او را برگرفته از فعل آمالئوین^۶ به معنای غذا دادن، غنی کردن، قوت دادن و پرورش دادن قلمداد می‌کنند.^۷ برخی نیز آن را از فعل آمالئاکتوس^۸ به معنی سخت و محکم می‌دانند؛^۹ و برخی نیز برگرفته از آماله و تئیا^{۱۰} که مبین بزی مینوی است یا ایزد مهربان می‌دانند که در سطور بعد بدان پرداخته می‌شود؛ اما اقتباس از واژه املگین^{۱۱} به معنای شیر دادن یا شیر دوشیدن محتمل‌تر است.^{۱۲}

داستان آمالئا و کورنوکوپیا از آن جا آغاز می‌شود، که بر اساس اساطیر یونان، زئوس، بزرگ‌خدا یا خدای خدایان یونان، در دوران نوزادی مورد خشم پدرش کرونوس؛^{۱۳} ایزد

1. Niccolo Manassero, *Meaning of Rytha and Meanings of Old Nisa*, Turin University, S.A.A.S.T Department, available online: http://www.academia.edu/1207356/_Meanings_of_rhyta_and_meanings_of_Old_Nisa_ (accessed September 8, 2015)

2. Amalthea

3. Zeus

4. Jupiter, Jov

5. Callimachus, *Hymns and Epigrams*. Lycophron. Aratus (1921), Translated by Mair, A. W. & G. R. Loeb Classical Library Volume 129. London: William Heinemann, 163.

6. Amaltheuein

7. François Noel, (1824), *Dictionnaire historique des personnages célèbres de l'antiquité: princes, généraux, philosophes, poètes, artistes, etc.; des dieux, héros de la fable; des villes, fleuves, etc.; avec l'étymologie et la valeur de leurs noms et surnoms; précé d'un essai sur les noms propres chez les peuples anciens et modernes*, Le Normant père, p. 126.

8. Amalthaktos

9. [http://perseus.mpiwg-berlin.mpg.de/cgi-bin//lexindex?lookup=a ma/lqaktos&lang= greek & display =](http://perseus.mpiwg-berlin.mpg.de/cgi-bin//lexindex?lookup=a%20ma%20lqaktos&lang=greek&display=) (accessed September 8, 2015)

10. malê and theia

11. Amelgein

12. Aratus (1921), "Phaenomena" in Callimachus, *Hymns and Epigrams*, Lycophron, Aratus, Translated by Mair, A. W. & G. R. Loeb Classical Library Volume 129, London: William Heinemann, 1921, 162; <http://www.etymonline.com/index.php?term=milk> (accessed September 8, 2015)

13. Cronos

کورنو کوپیا در سپهر نشانه‌ای عصر اشکانی ۵

زمان، قرار گرفت. کرونوس که می‌دانست یکی از فرزندانش بر او غلبه خواهد کرد و این همان کاری بود که کرونوس با پدرش اورانوس^۱ انجام داده بود؛^۲ تمام فرزندان را می‌خورد،^۳ اما رئا^۴ همسر کرونوس نیرنگی می‌اندیشد، سنگی پیچیده شده در پارچه را در محل نگهداری زئوس قرار می‌دهد و فرزندش را در غاری در کوه آیدا^۵ در جزیره کرت^۶ پنهان می‌کند.^۷ پریان^۸ همراه رئا، یعنی آدراستیا^۹ و آیدا،^{۱۰} بزی جادویی به نام آمالیتا را به غار می‌برند و زئوس را از شیر او تغذیه می‌کنند.^{۱۱} زئوس سرانجام بر پدرش کرونوس غلبه می‌کند و برادران و خواهران مینوی‌اش را از معده پدر بیرون می‌آورد و سرانجام نیز به خدای کوه آلمپ تبدیل می‌شود.^{۱۲} هنگامی که آمالیتا می‌میرد یا به روایت برخی اسطوره‌ها، زئوس او را قربانی می‌کند، زئوس پناهگاه آمالیتا یا غار آیدا در کرت را برای نگهداری از پوست جادویی این بز انتخاب می‌کند. این پوست را ایجیس^{۱۳} یا همان پوست بز نامیده‌اند.^{۱۴} در روایت آنتونینوس،^{۱۵} اسطوره‌شناس یونانی سده دوم میلادی، زئوس، آمالیتا

1. Oranos

2. Apollodorus, (1921), *The Library*, with an English Translation by Sir James George Frazer, F.B.A., F.R.S. Cambridge, MA, Harvard University Press; London, William Heinemann Ltd., 1.1.8.

۳. هستیا Hestia, دیمتر Demeter, پلوتو Pluto, پوزئیدون Poseidon فرزندان بودند که کرونوس خورد.

برای آگاهی بیشتر نک: Apollodorus, 1. 1. 6.

4. Rhea

5. Ida

6. Crete

7. Hesiod, (1914), "Theogony" in *The Homeric Hymns and Homeric*, with an English Translation by Hugh G. Evelyn-White, Cambridge, MA: Harvard University Press; London, William Heinemann Ltd, sentence 455-490.

8. Nymph

9. Adrastia

10. Ida

11. Apollodorus, 1. 1. 7-8.

12. Homer, (1924), *The Iliad*, Translated by Murray, A T. Loeb Classical Library Volumes 1. Cambridge, MA, Harvard University Press; London, William Heinemann Ltd, 8. 18-27.

13. Aigis, Aegis

برای آگاهی بیشتر نک:

Gaius Julius Hyginus, *Astronomica*, Part 2. 13 in *The Myths of Hyginus* (1960), translated and edited by Mary Grant, University of Kansas Publications in Humanistic Studies, no. 34, Lawrence: University of Kansas Press. Also available online: <http://www.theoi.com/Text/HyginusAstronomica.html> (accessed September 8, 2015)

14. Robin Hard (2004), *The Routledge Handbook of Greek Mythology*, based on H. J. Rose's *Handbook of Greek Mythology*, London & New York, Routledge, P. 74.

15. Antoninus

را به موجودی نامیرا تبدیل می‌کند و او را به صورت ستاره‌ای در آسمان قرار می‌دهد^۱ و به پاس آن که از شیر آمالثئا نوشیده است، بهشت را به او پاداش می‌دهد.^۲ آمالثئا نیز پس از مرگ، در آسمان به صورت ستاره کاپلا^۳ (در لاتین به معنای بز کوچک) یا صورت فلکی کاپرا^۴ ظاهر می‌شود.^۵

همان‌طور که گفته شد، کورنوکیویا به شکل شاخ بزی به نام آمالثئا توصیف و مجسم شده است؛ اما در اسطوره‌های یونانی روایات دیگری هم از آمالثئا در دست است. در روایت اووید،^۶ مورخ رومی (۱۷ م. - ۴۳ پ. م.)، آمالثئا به صورت یک پری توصیف شده است. به روایت اووید، آمالثئای پری، شاخ شکسته‌ی بز که برای شیردادن به زئوس در جزیره بود را در حلقه‌ی گلی پیچید و آن را با میوه پر کرد تا به زئوس نوزاد، غذا بدهد.^۷ هایزینوس^۸ (۱۷ م. - ۶۴ پ. م.)، مولف رومی، چنین روایت می‌کند که آمالثئای پری، زئوس را در گهواره‌ای بر درخت آویزان می‌کند تا او را نه در زمین و نه در آسمان بیابند.^۹ روایت‌های دیگر، آمالثئای پری، دختر برخی شخصیت‌های اسطوره‌ای چون هلیوس،^{۱۰} هائمونوس،^{۱۱} یا شاه کرتی ملیسیئوس^{۱۲} است^{۱۳} که زئوس را با شیر بز تغذیه کرد. در روایتی دیگر و به نقل از آپلودوروس،^{۱۴} مورخ و اسطوره‌نگار قرن دوم پیش از میلاد، زئوس شاخ بز را شکست و آن را به دختران ملیسیئوس داد. شاخ از این قدرت معجزه‌آسا

-
1. Antoninus Liberalis, (2001), *The Metamorphoses of Antoninus Liberalis*, New York: Routledge, 36.
 2. Ovid, (1931), *Fasti*, Translated by Frazer, James George. Loeb Classical Library Volume, Cambridge, MA: Harvard University Press; London, William Heinemann Ltd, 5. 111.
 3. Capella
 4. Constellation Capra
 5. Aratus, 162; Ovid, *Fasti* 5. 111.
 6. Ovid
 7. Ovid, *Fasti*, 3. 4; 5.111.
 8. Hyginus
 9. Gaius Julius Hyginus, *Fabulae*, CXXXIX. Available online: <http://www.theoi.com/Text/HyginusFabulae3.html> (accessed September 10, 2015)
 10. Erastosthenes and Hyginus Constellation Myths with Aratus's *Phaenomena* (2015), a new translation by Robin Hard, Oxford: Oxford University Press, p. 47
 11. Apollodorus, 2.7.5.
 12. Melisseus
 13. Lactantius, *Divine Institutes*, Book I (Of the False Worship of the Gods), Chapter, 22. Available online: <http://www.newadvent.org/fathers/07011.htm>
 14. Apollodorus

کورنوکوپیا در سپهر نشانه‌ای عصر اشکانی ۷

برخوردار بود که صاحب آن می‌توانست هر آن چه آرزو داشت را در شاخ پیدا کند.^۱ بدین ترتیب، کورنوکوپیا یا شاخ نعمت در اساطیر یونانی و رومی به نماد نعمت و فراوانی تبدیل می‌شود.

دیودوروس،^۲ مورخ یونانی قرن اول پیش از میلاد، روایت دیگری از آمالئثا را بیان می‌کند. دیودوروس چنین می‌نویسد: که آمون^۳ شاه لیدی با آمالئثا، باکره‌ی زیباروی، ازدواج کرد و زمین حاصلخیزی به شکل شاخ گاو به او اعطا کرد و از این پس آن زمین به شاخ آمالئثا نامیده شد.^۴ روایات دیگری نیز در اساطیر یونانی و رومی به آمالئثا و شاخ نعمت یا کورنوکوپیا مرتبط می‌شود. این روایات با داستان نبرد هرکول با آخیلوئس^۵ (آکیلوئس) خدای رود آیتولیا،^۶ بزرگ‌ترین رود یونان، و رقابت و نبرد آنها برای ازدواج با دثانیرا^۷ پیوند می‌خورد. (تصاویر ۱ و ۲) به نقل از اسطوره‌نگار یونانی قرن دوم میلادی، آپولودوروس در *بیبلیوتکا*^۸ «آخیلوئس [خدای رودخانه] شاخ خود - که هنگام کشتی گرفتن با هرکول از دست داده بود - را با تاخت زدن با شاخ آمالئثای هرکول به دست آورد. آمالئثا دختر هایمونئوس^۹ بود و شاخ گاوی داشت که به نقل از فرسیدس^{۱۰} می‌توانست مقدار زیادی غذا و نوشیدنی و هرآن چه بخواهند را فراهم کند»^{۱۱} اما دیودوروس سائیکلوس،^{۱۲} مورخ یونانی قرن اول پیش از میلاد، در *کتابخانه تاریخ* می‌نویسد: «هرکول با آخیلوئس جنگید که رودخانه‌ای شبیه به گاو بود، چون در نبردی یکی از شاخ‌هایش را از دست داده و به آیتولیایان^{۱۳} داده بود، آن را شاخ آمالئثا می‌نامیدند که پر از مقدار زیادی

1. Apollodorus, ii.7.5.

2. Diodorus

3. Ammon

4. Diodorus Siculus, (1935), *Library of History*. (trs.) C. H. Oldfather, Loeb Classical Library, Cambridge, MA, Harvard University Press; London, William Heinemann Ltd, iii, 68.

5. Akhelous

6. Aitolia

7. Deianeira

8. Bibliotheca

9. Haimomios

۱۰. Pherecydes. اسطوره‌نگار قرن پنجم پیش از میلاد.

11. Pseudo-Apollodorus, *Bibliotheca* 2. Available online: <http://abel.arts.kuleuven.be/> 148 (accessed in October 3th, 2015) 2. 148

12. Diodorus Siculus

13. Aitolians, Aetolians

انواع میوه‌های پاییزی مانند انگور، انار و سیب بود. شاعران نیز از آن به صورتی مبهم یاد می‌کنند که شاخ آخلئوس رودی است که از کاریزی عبور می‌کند با سیب‌ها و انارها و انگورها و سرزمینی حاصلخیز که از رود سیراب می‌شود و موجب فزونی گیاهان میوه‌دار آن می‌شود.^۱ در هر دو این روایات، به‌رغم برخی تفاوت‌ها، شاخ نعمت یا کورنوکویپا، منبع فراوانی و برکت است. سویداس،^۲ لغت‌شناس یونانی قرن دهم میلادی، نیز در مورد شاخ آمالیتا می‌نویسد: به آنانی اطلاق می‌شود که در نعمت به سر می‌برند.^۳



تصویر ۱. هرکول با آخیلوئس خدای رودخانه گاو مانند می‌جنگد. ظرف سفالین، حدود ۴۲۵-۴۷۵ پ.م. (موزه لوور، شماره کاتالوگ: G365)



تصویر ۲. کشتی گرفتن هرکول با آخیلوئس خدای رودخانه. حدود ۵۲۰ پ.م. (موزه بریتانیا، شماره کاتالوگ: London E437)

1. Diodorus Siculus, *Library of History*, 4. 35. 3.
2. Suidass
3. Suidass.v. Aiges (trans. Suda On Line) <http://www.stoa.org/sol-bin/search.pl> (accessed in October 3th, 2015)

دایرةالمعارف قرن دهم میلادی درباره جهان باستان مدیترانه κέραςΑμαλθείας

کورنوکوپیا در سپهر نشانه‌ای عصر اشکانی ۹

قدیمی‌ترین تصاویر از کورنوکوپیا، به قرن پنجم پیش از میلاد تعلق دارد. (تصویر ۱) گذشته از داستان زئوس، آمالِثا، آخیلوئس، هرکول و ارتباط آنها با کورنوکوپیا، در هنر یونانی، رومی و به طور کلی هنر غرب، همراه با دیگر اساطیر نیز به چشم می‌خورد که عبارتند از هیدِس،^۱ پلوتوس،^۲ آیرین^۳ و تیشه.^۴ هیدِس، بزرگ‌ترین پسر کرونوس، برادر زئوس و ایزد جهان زیرین و ثروت‌های نهفته در آن که خصلتی عبوس دارد، معمولاً با کورنوکوپیا بزرگی مجسم می‌شود که سرشار از برگ، میوه یا سبزیجات جالیزی است. برخی پژوهشگران محتویات کورنوکوپیا را کدو تنبل، انار، یا حتی کیک‌های نذری قلمداد کرده‌اند. از آن‌جا که کورنوکوپیا با حاصلخیزی و به‌ویژه با فراوانی محصولات کشاورزی مرتبط بوده است؛ از این‌رو، برخی پژوهشگران ارتباط هیدِس با کورنوکوپیا را چنین تفسیر می‌کنند که او تامین‌کننده و ضامن غنای زمین و کشاورزی است.^۵ (تصویر ۳) گاه نیز کورنوکوپیا هیدِس خالی است.^۶ تنها در دو نمونه از آثار موجود، کورنوکوپیا در داستان پلوتوس به تصویر کشیده شده است. پلوتوس، ایزد حاصلخیزی و فراوانی زمین به شمار می‌رفت و بعدها ایزد ثروت قلمداد شد. پلوتوس، پسر دیمِتر^۷ ایزدبانوی کشاورزی است.^۸ زئوس او را نابینا می‌کند تا ثروت را عادلانه بین نیکوکاران تقسیم کند.^۹ پلوتوس معمولاً به صورت پسری که کورنوکوپیا پر شده از گندم را در دست دارد، در معیت مادرش مجسم شده است؛ یا به صورت کودکی در آغوش آیرین ایزد صلح یا تیشه ایزد بخت و ثروت است. (تصویر ۴) برخی پژوهشگران، در انتساب تصویر مردی با کورنوکوپیا به هیدِس یا پلوتوس اختلاف نظر دارند.^{۱۰}

1. Hades (Haidēs)

2. Ploutos

3. Irene

4. Tyche: <http://www.greek-gods.info/ancient-greek-gods/tyche>. تیشه یا تایکی، برای تلفظ نام نک:

5. Diana Burton, (2011), *Hades: Cornucopiae, Fertility and Death*, p. 2; available online: <http://www.ascs.org.au/news/ascs32/Burton.pdf> (accessed in September 29, 2015)

6. Ibid, p. 3.

7. Demeter

8. Hesiod, (1914), *Homeric Hymns, Epic Cycle, Homeric*, Translated by Evelyn-White, H G. Loeb Classical Library Volume 57. London: William Heinemann, 969

9. *The Greek Bucolic Poets*, (1912), Translated by Edmonds, J M. Loeb Classical Library Volume 28. Cambridge, MA. Harvard University Press. X. 19.

10. Diana Burton, p. 3.



تصویر ۳. هیدس حاصلخیزی را از کورنو کویبا بر زمین می‌ریزد. ظرف سفالین (موزه ملی آتن، شماره کاتالوگ: Athens 16346)



تصویر ۴. دیمیتر و پلوتوس با کورنو کویبا در دست چپ، ظرف سفالین، حدود ۳۴۰-۳۵۰ پ.م (مجموعه موزه گتی کالیفرنیا)

کورنوکوپیا در سپهر نشانه‌ای عصر اشکانی ۱۱

آیرین، ایزدبانوی صلح و آرامش^۱ که در فرهنگ رومی پکس^۲ یا ایزدبانوی آرامش و صلح سیاسی نیز قلمداد می‌شود، در دست چپ، کورنوکوپیا و در دست راست، شاخه‌ی نخل را نگاه داشته است.^۳ (تصویر ۵)



تصویر ۵. پکس با کورنوکوپیا در دست چپ و شاخه‌ای در دست راست، سکه هادریان، ۱۳۸-۱۱۷ م.
(مجموعه خصوصی)

(RSC 1013 http://www.wildwinds.com/coins/ric/hadrian/RIC_0021.jpg)

هونوس^۴ که در اساطیر رومی ایزد جوانمردی، افتخار و عدالت نظامی بود نیز گاه به صورت مردی با نیزه و کورنوکوپیا ایستاده بر کُرهِ مجسم می‌شده است. (تصویر ۶)



تصویر ۶. هونوس با کورنوکوپیا در دست چپ و شاخه‌ای در دست راست، سکه مارکوس اورلیوس،
۱۶۱-۱۳۹ م.

(مجموعه خصوصی)

http://www.forumancientcoins.com/moonmoth/honos_pics/m_aurelius_010rf.jpg

1. Hesiod, (1914), "Works and Days," *The Homeric Hymns and Homerica*, with an English Translation by Hugh G. Evelyn-White, Cambridge, MA., Harvard University Press; London, William Heinemann Ltd. 225.
2. Pax
3. Lesley Adkins; Roy A. Adkins, (2004), *Handbook to Life in Ancient Rome*, New York, Facts on File, p. 300.
4. Honos

گاه نیز ویرتوس،^۱ ایزدبانوی دلاوری با نیزه و کورنوکوپیا جایگزین هونوس شده است.^۲ هم‌چنین، کورنوکوپیا را در آثاری می‌توان جستجو کرد که بر آنها تصویر ایزدبانوی بخت، برکت و فراوانی، یعنی تیشه در اساطیر یونان^۳ یا فورچونا در اساطیر رومی مجسم شده است. پائوسانیاس، نویسنده‌ی یونانی قرن دوم میلادی، در کتابش *توصیف یونان* می‌نویسد: «به یاد دارم که در آیگی‌یا^۴ ساختمانی بود که فورچونا شاخ آمالِثا را حمل می‌کرد».^۵

کورنوکوپیا یا شاخ نعمت در هنر اشکانی

نقش کورنوکوپیا یا شاخ نعمت را می‌توان در برخی آثار بازمانده از دوره‌ی اشکانی، شناسایی و مشاهده کرد. این آثار عبارتند از: برخی نگارکندها، سکه‌ها و ریتون‌ها (تکوک‌ها).

۱. نگارکندها

در برخی نگارکندهای بازمانده از دوره‌ی اشکانی در منطقه‌ی الیمایی، که از وضوح و وضعیت مناسبی برخوردار نیستند، دو نقش شناسایی شده است، که برخی پژوهشگران آن را کورنوکوپیا قلمداد کرده‌اند. از جمله وستا سرخوش کرتیس، پژوهشگر موزه‌ی بریتانیا که شئی در دست فرد ایستاده در نقش برجسته‌ی اُرد، حاکم محلی، در تنگ‌سروک (تصویر ۷) و نیز شئی در دست فرد ایستاده پشت سر حاکم در نقش برجسته‌ی برد بُت را کورنوکوپیا می‌نامد.^۶ (تصویر ۸) حال آن که واندنبرگ و شییمان آنها را پرچم، دسته گل، طرح کلی از

1. Virtus

2. Kathleen N. Daly, (2009), *Greek and Roman Mythology A to Z*, New York, Chelsea House, p. 149.

3. *The Hymns of Orpheus*, (1792). Translated by Thomas Taylor, University of Pennsylvania Press, reprinted 1999, 71.

4. Aegeira

5. Pausanias (1918), *Description of Greece*, Translated by Jones, W. H. S. and Omerod, H. A. Loeb Classical Library Volumes. Cambridge, MA, Harvard University Press; London, William Heinemann Ltd, 7. 26. 8

6. Vesta Sarkhosh Curtis, (2006), "Investiture: ii. The Parthian Period," *Encyclopaedia Iranica*, Vol. XIII, Fasc. 2, p. 183, Available online: <http://www.iranicaonline.org/articles/investiture> (accessed in October 3th, 2015)

کورنوکوپیا در سپهر نشانه‌ای عصر اشکانی ۱۳

یک بادبزن توصیف کرده‌اند؛^۱ اما نمی‌توان احتمال انتساب شیئی نقش برجسته‌ی تنگ‌سروک را به کورنوکوپیا نادیده انگاشت.^۲ ترکیب کلی شیئی و نگاهداشتن آن، مؤید این دیدگاه است. خاصه آن که شیئی، در دست چپ فرد قرار دارد که این نیز با تصاویر بازمانده از کورنوکوپیا در دست اساطیر یونانی و رومی مطابقت دارد. برخی این فرد را سپاهی، حکمران یا نیای شاهزاده‌ی لمیده بر تخت تفسیر کرده‌اند. برخی نیز او را خدای زئوس - بعل و برخی فره (خورنه) می‌نامند.^۳



تصویر ۷. تنگ سروک II: سطح شمال شرقی صحنه بالایی (واندنبرگ؛ شیپمان ۱۳۸۶)



تصویر ۸. برد بُت، کوه تینا (واندنبرگ؛ شیپمان ۱۳۸۶)

۱. لویی واندنبرگ، کلاوس شیپمان (۱۳۸۶)، نقوش برجسته منطقه الیمایی در دوران اشکانی، ترجمه یعقوب محمدی‌فر و آزاده محبت‌خو، تهران: سمت، ص ۸۱، ۷۶، ۶۲.
۲. تفسیر ارائه شده در سایت لوور نیز مبین این امر است. برای آگاهی بیشتر نک: <http://www.louvre.fr/en/oeuvre-notices/bas-relief> (accessed in October 3th, 2015)
۳. نقوش برجسته منطقه الیمایی در دوران اشکانی، ص ۸۱-۸۰.

در نگارکند بازمانده از دوره‌ی اشکانی (قرن دوم و سوم میلادی) که از تالار ۱۳ معبد هرکول در مسجد سلیمان به دست آمده است، شاه یا شاهزاده‌ای در حال انجام مراسم مذهبی برای ایزد هرکول - ورثرغنه، حامی دودمان‌های سلطنتی و نماد قدرت و پیروزی است که کورنوکیپا را در دست چپ نگاه داشته است، در حالی که دست راست را به سمت آتشدان دراز کرده است.^۱ (تصویر ۹)



تصویر ۹. نگارکند معبد هرکول در تخت سلیمان، مردی با کورنوکیپا در دست چپ، در حال انجام مراسم مذهبی، قرن دوم و سوم میلادی، موزه لوور، سالن میان‌رودان، ایران و مدیترانه شرقی، اتاق ۱۶،

Sb 7302

۲. سکه‌ها

سکه‌های دوره‌ی اشکانی، از آثار دیگری به شمار می‌روند، که می‌توان نقش کورنوکیپا را بر آنها مشاهده کرد. شواهد سکه‌شناختی مبین این امر است که نخستین بار، نقش کورنوکیپا بر سکه فرهاد دوم نقش بسته است. پشت سکه‌ی فرهاد دوم، نوع ۱۷ سلوود، تصویر ایزدی نشسته بر صندلی یا دیهیم با کورنوکیپا در دست چپ و ایزدبانوی نیکه با

۱. همان.

بال‌های برافراشته در دست راست او که در حال گذاشتن حلقه قدرت بر سر ایزد طراحی شده است.^۱ (تصویر ۱۰) سلوود تصویر را چنین توصیف می‌کند: «ایزد مرد نشسته بر تخت»^۲ و او را به ایزدان یونان مرتبط نمی‌کند، اما مایکل آلام،^۳ کارشناس کابینت سکه‌ها در موزه تاریخ هنر وین و سیمو پارپولا،^۴ پروفیسور آشورشناس دانشگاه هلسینکی، در مقاله‌ای با عنوان تیشه با ریش^۵ نظریه‌ی جدید و درخور توجهی را درخصوص این تصویر ارائه می‌کنند. بر اساس دیدگاه آنان، تصویر این سکه به تیشه یا فورچونا ایزدبانوی بخت تعلق دارد، که از او به عنوان *ایزدبانوی نگهبان بخت نیک شهرها* یاد می‌شود.

در مطالعات اسطوره‌شناسی تطبیقی، تیشه با ایزدبانوی آشوری (بین‌النهرینی) ایشتار مرتبط می‌شود که در اساطیر آشوری، گهگاه او را در قالب نانایا^۶ یا مولیسو^۷ به عنوان موجودی دو جنسی توصیف یا تجسم می‌کردند. در اساطیر بین‌النهرین، ریش، نمادی از دوجنسی بودن و کمال ایزدبانو به شمار می‌رفت و ایزدبانو نیز به منزله روح مقدس، مادر شاه و الگوی رستگاری مرد بود.^۸ بنابراین، می‌توان چنین توصیف کرد که فرد نشسته بر

۱. نیکه در برخی سکه‌ها، از جمله سکه ارد دوم نیز در دستان شاه قرار دارد و حلقه یا نیم‌تاج قدرت را به او اهدا می‌کند. در برخی سکه‌ها از جمله سکه‌های ونن اول نیز نیکه به صورت ایستاده طراحی شده است که در صفحات بعد به آنها پرداخته می‌شود.

2. *Male deity enthroned*, in David Sellwood (1980), *An Introduction to the Coinage of Parthia*, London: Spink & Son Ltd, Bibliography, p. 52.

3. Michael Alram

4. Simo Parpola

5. Michael Alram, Simo Parpola, *Tyche with Bread*, http://www.aakl.helsinki.fi/melammu/database/gen_html/a0001528.php

برای آگاهی بیشتر از این نظریه نک:

Vesta Sarkosh Curtis (2007). "Religious Iconography on Ancient Iranian Coins." *Proceedings of the British Academy* 133, 413-434, Brigitte Groneberge (1986). "Die sumerisch-akkadische Inanna/Ištar. Hermaphroditos?." *Welt des Orients* 17, 25-46, Simo Parpola (1997), *Assyrian Prophecies*. State Archive of Assyria 9. Helsinki: Helsinki University Press, Parpola, Simo (2000). "Monotheism in Ancient Assyria." In: B. N. Porter (ed.). *One God or Many? Concepts of Divinity in the Ancient World*. Transactions of the Casco Bay Assyriological Institute 1. Casco Bay: The Casco Bay Assyriological Institute, 162-209.

6. Nanaya

7. Mullissu

۸. میرچا الیاده دو جنسی بودن در ساختار اساطیر را قاعده‌ای کلی توصیف می‌کند که به معنای خودمختاری، نیرو، کل بودن است؛ الیاده (۱۳۷۵)، *اسطوره، رویا، راز*، ترجمه رویا منجم، تهران: فکر روز،

تخت در این سکه، نماد بین‌النهرینی تیشه است. از آن جا که این سکه چهاردرهمی در سلوکیه، واقع در ساحل دجله و محدوده جغرافیایی تحت تأثیر فرهنگ بین‌النهرین، ضرب شده است، این نظریه محتمل و قابل قبول به نظر می‌رسد.



تصویر ۱۰. سکه فرهاد دوم، نوع ۱۷ سلوود (Sellwood, 1980)

سلوود سکه‌های دیگر با طرحی کمابیش مشابه ولی با صورت یک ایزدبانو را در سکه‌های نوع ۱۸،^۱ سکه اردوان اول نوع ۲۱ و سکه مهرداد دوم نوع ۲۳ شناسایی می‌کند.^۲ سلوود ایزدبانوی این سکه‌ها را دیمیتر^۳ معرفی می‌کند.^۴ (تصویر ۱۱) دیمیتر در اساطیر یونان، از جمله ایزدان و ایزدبانوان دوازده‌گانه کوه المپ به شمار می‌رود. او ایزدبانوی کشاورزی، حاصلخیزی، حبوبات و گندم است^۵ که به صورت زنی میانسال با تاجی از گیاهان بر سر و گاه شاخ نعمت در دست مجسم می‌شود. (تصویر ۱۳ و ۱۴) این دو ویژگی تصویری، باعث اختلاف نظر در شناسایی او و تیشه^۶ یعنی ایزدبانوی نگهبان بخت نیک شهرها است که او نیز در نمادهای تصویری اساطیر یونانی با همین مشخصات شناخته می‌شود. گاه نیز تیشه نماد دیگری از دیمیتر به شمار می‌رفته است.

۱. سکه‌هایی که به عقیده سلوود پس از مرگ فرهاد دوم (۱۲۸ پ. م) با تصویر مهرداد اول ضرب شده‌اند؛

Sellwood, p. 54.

۲. سکه‌ها چهاردرهمی بوده و در سلوکیه ضرب شده‌اند.

3. Demeter

4. Sellwood, p. 55.

5. Homer, *Il.* V. 500, Euripides (1850), *The Tragedies of Euripides*, translated by T. A. Buckley. Bacchae. London. Henry G. Bohn, 276.

6. Tyche, Tykhe

کورنوکوپیا در سپهر نشانه‌ای عصر اشکانی ۱۷



تصویر ۱۱- به ترتیب از راست به چپ: تصویر دیمیترا در سکه‌های اردوان اول نوع ۲۱ سلوود، مهرداد دوم نوع ۲۳ سلوود (Sellwood, 1980)

تصویر مشابه با کمی ناهمگونی در جزئیات را در سکه‌ی دیمیتریوس اول، حاکم سلوکی سوریه (۱۵۰-۱۶۲ پ.م) می‌توان مشاهده کرد. (تصویر ۱۲) در واقع، دیمیتریوس، سی و چهار سال پیش از اردوان اول، از تصویر دیمیترا بر سکه‌ها استفاده کرده است. نام دیمیتریوس برگرفته از دیمیترا است و برخی شاهان سلوکی و مقدونی به این نام خوانده می‌شدند.



تصویر ۱۲. سکه دیمیتریوس اول، (Hoover, 797)



تصویر ۱۳. مجسمه منسوب به دیمیترا یا تیشه، موزه پيو - کلمنتاین، موزه‌های واتیکان^۱

1. Museo Pio-Clementino, Musei Vaticani, Vatican City.



تصویر ۱۴ - مجسمه تیشه، موزه باستان‌شناسی استانبول، ترکیه^۱

در چهاردرهمی‌های ارد دوم، نوع ۴۷ سلوود، تیشه به جای عصای سلطنتی، شاخ نعمت را در دست چپ دارد و شاخه‌ی نخل در دست راست او و پادشاه قرار گرفته است. گویی تیشه در این طرح، نعمت و حاصلخیزی را به پادشاه و متصرفات او ارزانی داشته است. این طرح، در سکه‌های فرهاد چهارم، نوع ۵۱ سلوود و اردوان دوم، نوع ۶۱ سلوود نیز تکرار می‌شود، اما طرح سکه اردوان دوم و وردان اول، نوع ۶۴ سلوود، از ظرافت طرح‌های دو سکه دیگر برخوردار نیست. (تصویر ۱۵)



تصویر ۱۵. به ترتیب از راست به چپ: سکه ارد دوم نوع ۴۷؛ سکه فرهاد چهارم نوع ۵۱؛ سکه اردوان دوم نوع ۶۱؛ وردان اول نوع ۶۴ سلوود (Sellwood, 1980)

1. Archaeological Museum of Istanbul, Istanbul, Turkey

کورنوکوپیا در سپهر نشانه‌ای عصر اشکانی ۱۹

در چهاردرهمی فرهاد چهارم نوع ۵۰ سلوود، شاه نشسته بر تخت به سمت راست و تیشه ایستاده در برابر او است. تیشه در این طرح نیز شاخ نعمت را در دست چپ نگاه داشته است؛ اما به جای شاخه نخل، حلقه قدرت یا نیم تاج را به شاه کماندار تقدیم می‌کند. این نخستین بار است که حلقه‌ی قدرت یا نیم تاج در سکه‌های اشکانی ظاهر می‌شود. (تصویر ۱۶)



تصویر ۱۶. به ترتیب از راست به چپ: فرهاد چهارم نوع ۵۰؛ تیرداد اول نوع ۵۵ سلوود (Sellwood, 1980)

کمان در دست شاه نیز نشانی از قدرت سیاسی و نظامی اوست. گویی فرهاد چهارم درصدد بود با این طرح، مشروعیت حکومت خود را ثابت کند و بدین ترتیب، به اقدامات خود در کشتار پدر و برادرانش حقانیت ببخشد. این طرح، در چهاردرهمی‌های منسوب به تیرداد، نوع ۵۵ سلوود، تکرار شد (تصویر ۱۶) که به روایتی زمانی مدعی حکومت و رقیب فرهاد چهارم بود. چهاردرهمی گودرز دوم، نوع ۶۵ سلوود که حدود چهار دهه پس از حکمرانی فرهاد چهارم ضرب شد نیز چنین طرحی دارد؛ با این تفاوت که کمان در دست پادشاه حذف شده است. (تصویر ۱۷)



تصویر ۱۷. سکه گودرز دوم، نوع ۶۵/۲ سلوود (Sellwood, 1980)

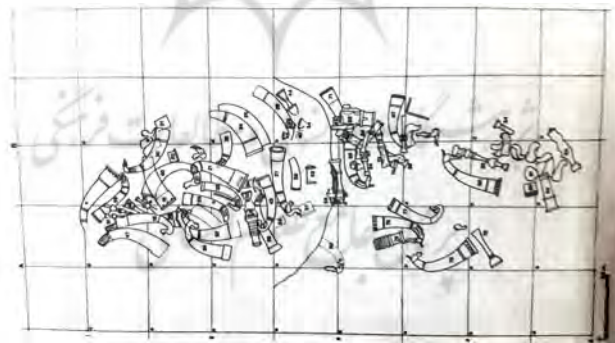
طرح کورنوکویا یا شاخ نعمت بر برخی کالخنه‌نوس‌ها (کالکوی) نیز نقش بسته است. (تصویر ۱۸)



تصویر ۱۸. مهرداد دوم، اردوان دوم، نوع ۶۳/۲۷، دو شاخ نعمت، فرهاد چهارم، نوع ۵۲/۵۴ سلوود (Sellwood, 1980)

۳. ریتون‌ها (تکوک‌ها)

نکته دیگر در خصوص کورنوکویا، شباهت آن با ریتون‌های (تکوک‌های) شاخ‌مانند متعلق به دوره‌ی اشکانی است، که از منطقه‌ی نسا به دست آمده است. طول این ریتون‌ها که از اتصال سه قطعه یا تعداد بیشتر ساخته شده‌اند، بین ۳۰ تا ۶۰ سانتی‌متر و قطر بزرگ‌ترین آن‌ها ۱۷ سانتی‌متر است. (تصویر ۱۹ و ۲۰) انتهای مخروط ریتون، به شکل مجسمه‌هایی شبیه انسان - حیوان، گریفین (شیردال) و شیرهای بالدار طراحی شده است. (تصویر ۲۱)

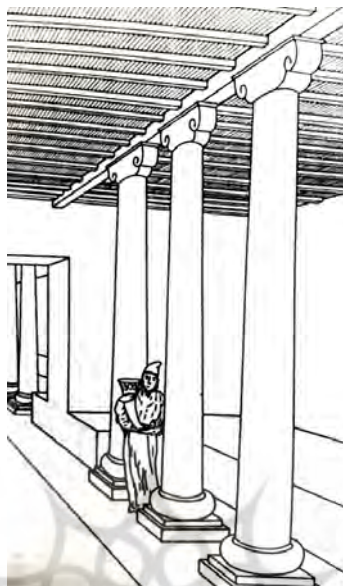


تصویر ۱۹. لایه تحتانی از ریتون‌های به دست آمده در منطقه نسا، طراحی از ماسون و مرشچیو ۱۹۴۸-۴۹

(ماسون، پوگانکووا، ۱۳۸۳)

۱. میخائیل یوگنیویچ ماسون؛ گالینا آناتولیونا پوگانکووا (۱۳۸۳)، ریتون‌های اشکانی نسا: پژوهشی از هیأت باستان‌شناسی JUTAK، ترجمه و تدوین شهرام حیدرآبادیان، تهران: ماکان، ص ۱۹-۱۸.

کورنو کوپیا در سپهر نشانه‌ای عصر اشکانی ۲۱

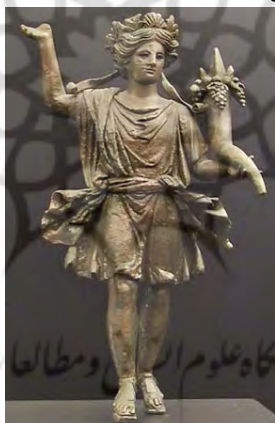


تصویر ۲۰. تصویر بازسازی شده از خانه مربع کاوش‌های نسا، فردی با ریتون یا کورنو کوپیا در دست (ماسون، پوگانکووا، ۱۳۸۳)



تصویر ۲۱. ریتون با نقش گریفین، قرن دوم پ.م، موزه ملی ترکمنستان
<http://m9.i.pbase.com/o6/93/329493/1/141565849.fNdUQOkW.UZTM112460.jpg>

برخی پژوهشگران بر این عقیده‌اند، که نمی‌توان ارتباط بین هر گونه ریتون شاخ‌مانند و کورنوکوپیا را نادیده انگاشت. به طور مثال، الیزابت ارینگتون و جو کرایب، کورنوکوپیا را مشابه ریتون قلمداد می‌کنند.^۱ در کاوش‌های ویلای رومی به نام سن جیوانی دی روتی،^۲ مجسمه‌ای از ارواح رابط بین دو جهان یا لار^۳ به دست آمده است. س. ج. سیمسون شئی در دست چپ لار را ریتون یا کورنوکوپیا و نماد فراوانی توصیف می‌کند.^۴ عبادت لارها در دوران اگوست (۱۴ م. - ۲۷ پ.م)، رونق یافت و ریتون یا کورنوکوپیا در دست چپ لار، نمادی از طبیعت ضروری او به عنوان ایزد مرتبط با نعمت و فراوانی است.^۵ (تصویر ۲۲) با فرض این که ریتون‌های شاخ‌مانند را می‌توان کورنوکوپیا نیز قلمداد کرد، می‌توان ریتون‌های به دست آمده از نسا را گونه‌ای کورنوکوپیا فرض کرد. در ادامه‌ی این بحث، با توجه به موارد فوق، ضمن مروری بر نظریه سپهر نشانه‌ای، کورنوکوپیا و خویشکاری آن در دوره‌ی اشکانی بازشناسی می‌شود.



تصویر ۲۲. نمونه‌ای از مجسمه لار با کورنوکوپیا در دست چپ

Lar holding a cornucopia from Lora del Rio (Axatiana) in Roman Spain, early 1st century AD (National Archaeological Museum of Spain
http://www.vroma.org/images/raia_images/lar3.jpg

1. Elizabeth Errington, Joe Crib beds, (1992), *The Crossroads of Asia: Transformation in Image and Symbol in the Art of Ancient Afghanistan and Pakistan*, Catalogue of an Exhibition at the Fitzwilliam Museum, Cambridge, The Ancient India and Iran Trust, p. 134.
2. San Giovanni Di Ruoti
3. Lar
4. C. J. Simpson, (1997), *The Excavations of San Givanni Di Ruoti*, Volume II, The Small Finds, Toronto, London: University of Toronto Press, p. 55.
5. Ibid.

کورنوکوپیا در سپهر نشانه‌ای عصر اشکانی ۲۳

استفاده از نقش کورنوکوپیا در برخی آثار دوره‌ی اشکانی را می‌توان تاثیر هنری بازمانده از دوره‌ی سلوکی قلمداد کرد. بدیهی است که با تسلط سلوکیان بر ایران، همانند دیگر مظاهر یونانی، تصویر کورنوکوپیا با خویشکاری مبین فراوانی، نعمت و ثروت نیز به کار رفته باشد. مجسمه‌ی برنزی تیشه که در نهاوند به دست آمده است (تصویر ۲۴) و نقش کورنوکوپیا بر سکه‌های سلوکیان متأخر، مبین این ادعا است. (تصویر ۲۵)



تصویر ۲۴. مجسمه برنزی تیشه با کورنوکوپیا در دست چپ، نهاوند، دوره‌ی سلوکی (گیرشمن، ۱۳۹۰)



تصویر ۲۵. سکه آنتیوخوس چهارم ایفانوس (۱۶۴-۱۷۵ پ.م) آنتیوخوس هشتم (۹۶-۱۲۵ پ.م)

نشانه‌هایی از کورنوکوپیا در سرزمین‌های مجاور اشکانیان

پالمیر، به عنوان سرزمینی در فراسوی مرز غربی اشکانیان، میراثی از هنر آنان را در بر دارد.^۱ کورنوکوپیا در آثار هنری پالمیر معاصر دوره‌ی اشکانی نیز مشاهده شده است.

(تصویر ۲۳)

1. S. B. Downey (1987), "Art in Iran iv. Parthian Art," *Encyclopaedia Iranica*, Vol. II, Fasc. 6, p. 580.



تصویر ۲۳- تندیس مرد با کورنو کوپیا در دست چپ، پالمیر

<http://www.usc.edu/dept/LAS/arc/palmyrene/html/Char.html>

تصویر کورنو کوپیا را بر سکه هویشکا،^۱ امپراتور کوشان (۱۸۰-۱۴۰ م.)، در دستان اردوخشو^۲ یا اشی ایزدبانوی پاداش نیز می توان مشاهده کرد. (تصویر ۲۶)



تصویر ۲۶. سکه کوشانی با نقش اردوخشو و کورنو کوپیا

<http://www.acsearch.info/search.html?similar=925029>

در نیمه نخست قرن اول پیش از میلاد، زمینه های شکل گیری امپراتوری کوشان ها در فراسوی مرزهای شرقی اشکانیان فراهم شد که دوران سیادت آنها در منطقه تا سال های آغازین دوره ی ساسانی ادامه داشت. کوشان ها در منطقه باکتریا^۳ تحت تاثیر میراث هنری و فرهنگی مهاجرنشین های یونانی بازمانده از دوران سلوکی قرار گرفتند.^۴ برخی مناقشات

1. Huvishka

2. Ardoxsho

3. Bactria

4. A. D. H. Bivar, (1983), "The History of Eastern Iran," *Cambridge History of Iran Vol. 3 (1) The Seleucid, Parthian and Sasanian Periods*, Edited by Ehsan Yarshater, Cambridge: Cambridge University Press, p. 198.

کورنوکوپیا در سپهر نشانه‌ای عصر اشکانی ۲۵

کوتاه‌مدت و مناسبات تجاری نیز زمینه‌ی ارتباط بین کوشان‌ها و اشکانیان را فراهم کرد. در برخی نگارندهای کوشانی گندهارا (گندهارا) نیز کورنوکوپیا در دست چپ پانیکا ایزد ثروت قرار دارد که در کنار ایزدبانوی هریتی نشسته است. او کورنوکوپیا را در دست چپ نگاه داشته است. این مجسمه، نمادی است از سلوک راهبان بودایی سمقاکه از طریق هدایای پیروان بودایی، روزگار می‌گذراندند.^۲ (تصویر ۲۷ و ۲۸) اگرچه این آثار به قرن سوم میلادی تعلق دارند، روش واقع‌گرایانه طراحی و شباهت این آثار به هنر یونانی کلاسیک، از سنت دیرینه‌ی مرتبط با آنها در قرون گذشته حکایت می‌کنند.^۳



تصویر ۲۷. نقش‌کنده پانیکا و هریتی قرن سوم میلادی کوشان با طرحی واقع‌گرایانه‌تر و متأثر از هنر یونانی - رومی

(<http://www.sandsoftimedc.com/products/as1409>) مجموعه خصوصی وِجینیا

تصویر ۲۸ - تخت بهی، پاکستان، موزه بریتانیا

<https://web.archive.org/web/20060907055640/http://kaladarshan.arts.ohio-state.edu/studypages/internal/dl/SouthAsia/Buddhist/pgs/u5/DL0227m.htm>

1. Samgha

۲. برای آگاهی بیشتر از مجسمه‌هایی از این دست نک:

W. Zwalf, (1996), *A Catalogue of the Gandharan Sculpture in the British Museum*, cat. no. 96-98.

۳. برای آگاهی بیشتر از هنر یونانی - بودایی یا Greco-Buddhist نک:

B. A. Litvinsky, (2005), "Gandhāran Art," *Encyclopaedia Iranica*, Available Online: <http://www.iranicaonline.org/articles/gandharan-art>.

برخی این آثار را بازنمایی ایزد دیمیترا یا تیشه در کوشان قلمداد کرده‌اند.^۱ با این تفسیر که در آیین‌های هندو و بودا استفاده از اجزای جانور مرده جایز نیست؛ اما موتی چاندرا منشا استفاده از شاخ جانوران در مراسم ودایی را امری غیر معمول قلمداد نمی‌کند و با تکیه بر دو بیت ویشنودهارموتارا - پورانا، برای کورنوکوپیا به تصویر کشیده شده در این آثار، منشایی بومی ارائه می‌کند که معادل سانسکریت آن نیدهیشرنگا نامیده می‌شود.^۲ کوناکوندلا کریشنا مورتی نیز برای نماد شاخ در هنر هند باستان، معادل نیدهیشرنگا به معنای شاخ گنجینه را معرفی می‌کند که نماد فراوانی بوده است.^۳ برخی نیز این فرضیه را رد کرده‌اند و بر نفوذ فرهنگ یونانی - هلنی و خویشکاری کورنوکوپیا در هند تاکید می‌کنند.^۴

سپهر نشانه‌ای و کاربرد این نظریه در موضوع مورد بحث

از آن هنگام که یوری لوتمان (۱۹۹۳-۱۹۲۲) مکتب تارتو را در ۱۹۶۴ مطرح و معرفی کرد، زمینه‌ی طرح و بررسی دیدگاه‌هایی در عرصه‌ی نشانه‌شناسی فرهنگی فراهم شد. لوتمن بر این عقیده بود، که اسطوره‌ها و مجموعه‌ی مظاهر فرهنگ عامه، مذهب، اخلاق و هنجارهای اجتماعی، الگوهایی را ارائه می‌کنند که مبین فرهنگ زمان آنها است. او این نظام نشانه‌ای را «نظام الگوساز ثانویه» می‌نامد.^۵ در تفسیر پیتر تورپ^۶ از دیدگاه لوتمن، «نظام الگوساز ثانویه، به عنوان زبان توصیف، به تمامی زبان‌های هنر در مفهوم گسترده‌تر، زبان‌های فرهنگ (اسطوره‌شناسی، دین، هنجارهای رفتاری، و غیره.) مرتبط می‌شود».^۷ از

1. Angelo Andrea Di Castro, (2015), "Goat heads and goddesses in Swat, Gandhara and Kashmir and connected problems," *Asian Horizons, Giuseppe Tucci's Buddhist, Indian, Himalayan and Central Asian Studies*, edited by A. A. Di Castro and David Templman, Melbourne: Monash University Publishing, p. 283.

2. Ibid

نیز برای آگاهی بیشتر نک:

Moti Chandra, (1964-1966), "Nidhisrriga (*cornucopia*): A Study in Symbolism", pp. 1-33.

3. Konakondla Krishna Murthy, (1977), *Nagarjunakonda: A Cultural Study*, p. 229, ff. 9.

4. Adakbert Gail, *Cornocopia non est nidhisrnga*, Freie Universitat Berlin, available online: https://www.academia.edu/7836648/cornucopia_non_est_nidhisrnga (accessed October 13, 2015)

5. Second Modeling System

6. Peeter Torop

7. Peeter Torop, (1999), "Cultural Semiotics and Culture", *Sign System Studies*, Vol. 27, p. 1 in the word version, available online: https://www.ut.ee/SOSE/sss/articles/torop_27.htm (accessed in September 12, 2015)

منظر پژوهش‌های تاریخی، دیدگاه لوتمن در عرصه‌ی منابعی که از مضامین اساطیری برخوردارند، به‌ویژه آثار و اشیای هنری و مستندات تصویری، کاربردی شایان توجه دارد. در واقع، داده‌هایی از این نوع در مطالعات نشانه‌شناختی، «متون عینی»^۱ واجد رمزگان متکثر، متنوع و متفاوت به شمار می‌روند، که همواره در هر دوره‌ی تاریخی وجود دارد.^۲ بر این اساس، در این دیدگاه، مفهوم فرهنگ نیز دگرگون می‌شود و «فرهنگ دیگر آن نظام منسجم و تثبیت شده‌ای که پیش‌تر پنداشته می‌شد نیست، بلکه مجموعه‌ای از گرایش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای ناهمگون است. حتی شاید نتوان از یک فرهنگ در جامعه سخن گفت؛ زیرا یک جامعه، همواره دربرگیرنده‌ی فرهنگ‌هاست، نه فرهنگ»^۳.

بدین ترتیب بود که یک دهه پس از آن که لوتمن، مکتب تارتو را مطرح کرد، مطالعات نشانه‌شناختی پدیده‌های فرهنگی، به عنوان نظام‌های الگوساز ثانویه به منزله‌ی «نشانه‌شناسی فرهنگی» شناخته شد.^۴ در نشانه‌شناسی فرهنگی، هر فرهنگ، متنی قلمداد می‌شود که باید در فضای خاص تولید شده‌ی آن تفسیر شود. این فضا یا بافت خاص، «سپهر نشانه‌ای» نامیده می‌شود.^۵ سپهر نشانه‌ای به واسطه‌ی نظام حافظه‌ای پیچیده تعیین می‌شود و موجودیت می‌یابد و بنابر این به ژرفای زمانی مرتبط می‌شود^۶ و حافظه‌ی جمعی را در بر می‌گیرد. بدین سبب است که برخی چون نیل کورنول،^۷ سپهر نشانه‌ای را با مفهوم «ناخودآگاه جمعی یونگ» مرتبط می‌دانند.^۸

با تکیه بر یافته‌های باستان‌شناختی، سپهر نشانه‌ای دوره‌ی اشکانی با برخی مضامین اساطیری یونانی مرتبط می‌شود. این امر از فضا یا بافتی بازمانده در نظام حافظه‌ای و

1. Concrete Texts

2. Ibid, p. 2 in Word version available online: : https://www.ut.ee/SOSE/sss/articles/torop_27.htm (accessed in September 12, 2015)

۳. بهمن نامور مطلق (۱۳۸۹)، «نشانه‌شناسی و فرهنگ»، *نشانه‌شناسی فرهنگ (ی) مجموعه مقالات تقدیمی*

ادبی - هنری، به کوشش امیرعلی نجومیان، تهران: سخن، ص ۱۱-۳۲، ۲۴.

۴. برای آگاهی بیشتر نک:

Yuri (Juri) M. Lotman, (1990), *Universe of Mind: Semiotic Theory of Culture*. Translated by Ann Shukman, Introduction by Umberto Eco. London & New York: I. B. Tauris Publisher.

5. Juri M. Lotman, (2005), "On the Semiosphere," *Sign System Studies* 33, 1, p. 2.

6. Ibid, p. 219.

7. Neil Cornwell

8. Neil Cornwell, (1992), "Lotman's Semiosphere," *Irish Slavonic Studies*, 13, p. 166.

حافظه‌ی جمعی ایرانیان نشأت می‌گیرد. ایرانیان، از دوران سلوکی به واسطه‌ی حضور یونانیان و نسل پس از آنها که ایرانیانی یونانی‌تبار بودند، با مضامین اساطیری یونان آشنا شدند. در واقع، با حرکت اسکندر و ملازمانش به سمت ایران، گروهی از مقدونیان و یونانیان به میان‌رودان وارد شدند.^۱ نخستین تازه‌واردان، در شهرهای بابل، نیپور و اوروک سکنی گزیدند. هنگام حرکت اسکندر به سمت شوش نیز بالغ بر پنج هزار و دویست نیروی مقدونیایی و یونانی به سپاه او افزوده شد.^۲ در ادامه لشکرکشی اسکندر به سمت هند، گروهی از همراهان او، مهاجرنشینی در شمال شرق افغانستان تشکیل دادند، که مروج فرهنگ یونانی در منطقه بودند.^۳

سیاست شهرسازی اسکندر، که احیای شهرهای قدیمی، اردوگاه‌های دائمی *Katoikiai*، اردوگاه‌های موقت *Phrouria* و اسکان نیروهای مقدونیایی و یونانی در این شهرها بود،^۴ زمینه‌ساز هم‌زیستی اهالی میان‌رودان و ایران با این تازه‌واردان شد. سیاست اسکندر در خصوص ازدواج نیروهای مقدونیایی با زنان بومی مناطق مفتوحه،^۵ حکمرانی سلوکیان پس از مرگ اسکندر و انتخاب سلوکیه در ساحل دجله، به عنوان پایتخت، از دیگر عوامل آشنایی و تداوم حضور فرهنگ یونانی در ایران به ویژه جنوب غربی این سرزمین و میان‌رودان بود. اقلیت یونانی و مقدونیایی تبار مستقر در این مناطق، به حفظ میراث فرهنگی خود همت گماردند و به واسطه‌ی ارزش‌های قومی آنها و نیز به علت سیاست

۱. برای آگاهی بیشتر نک:

R. J. (Bert) Van der Spek, (2009), "Multi-ethnicity and ethnic segregation in Hellenistic Babylon," *Ethnic Constructs in Antiquity, the Role of Power and Tradition*, edited. By Ton Derks & NicoRoymans, Amsterdam Archaeological Studies 13, Amsterdam University Press, pp. 101-115.

2. Diodorus Siculus. *The Library of History*. 17-65.1.2.

۳. برای آگاهی بیشتر نک:

O. Bernard, (1985), "Ā Y KĀNOM", *Encyclopaedia Iranica*, Vol. III, Fasc. 2, pp. 124-126 available online <http://www.iranicaonline.org/articles/ay-kanom-or-a-khanum-tepe-a-local-uzbek-name-lit> (accessed on 23 September 2014); Margaret C. Miller, (2002), "Greece ii. Greco-Persian Cultural Relations," *Encyclopaedia Iranica*, Vol. XI, Fasc.3, pp. 301-319, available online <http://www.iranicaonline.org/articles/greece-ii> (accessed 23 September 2015)

4. Plutarch, (1936), *De Fortuna Alexandri*, Vol. IV, 5,1. (tr.) Frank C. Rabbitt, Cambridge: Harvard University Press.

5. Arrian of Nicomedia, (1933), *Anabasis of Alexander*, (ed. And tr.) Edgar Iliff Robson, London and Cambridge. 7.4.

تسامحی که اشکانیان در پیش گرفتند، بافت فرهنگی - اجتماعی یونانی تبارها در دوران اشکانی نیز حفظ شد.^۱ حکومت نیمه مستقل خاراسن در جنوب میان رودان و در مجاورت خلیج فارس، از جمله این نمونه‌ها است.^۲ برخی از مضامین و شخصیت‌های اساطیری و داستانی یونانی که کمابیش از خویشکاری یکسانی با همسانان خود در ایران و میان رودان برخوردار بودند، به سپهر فرهنگی عصر اشکانی راه یافتند. در برخی مظاهر و متون عینی فرهنگ آن دوران از جمله در نقوش دیواری، مجسمه‌ها، سکه‌ها به کار رفتند و با گذشت زمان در حافظه جمعی ثبت شدند. تداوم استفاده از لقب فیل هلن یا دوست‌دار یونان^۳ بر سکه‌های اشکانی، از اهمیت اقلیت یونانی تبار در قلمروی اشکانیان به ویژه نواحی جنوب غربی و میان رودان و توجه حکمرانان اشکانی به این امر حکایت می‌کند. توجه به این نکته ضروری است، که شهر سلوکیه در مجاورت دجله یکی از مهم‌ترین ضراب‌خانه‌های قلمروی اشکانیان به شمار می‌رفت و از مراکز استقرار جامعه‌ی یونانی تبار بود. از این روست که بر چهاردرهمی‌ها یا کالکوی ضرب این ضراب‌خانه، نمادهای یونانی به کار رفته است.

۱. برای آگاهی بیشتر نک:

Safura Borumand, (2016), "A Review on an Ancient Cultural Convergence: Case Study on Arsacid Creativity and Inventiveness in Interrelationship with Their Greek Origin Ethnic Group," *Creativity, Innovation, and Entrepreneurship Across Cultures: Theory and Practices*, (Eds.) Igor N. Dubina, Elias G. Carayannis, USA: Springer. Under Publication.

۲. برای آگاهی بیشتر نک:

John Hansman, (1992), "Characene and Charax," *Encyclopaedia Iranica*, Vol. V. PP. 363-365. Available online: <http://www.iranicaonline.org/articles/characene-and-charax-spasinou-in-pre-islamic-times> (accessed 12 October 2015);

یعقوب محمدی‌فر، علیرضا خونانی (۱۳۹۲)، «خاراسن و جایگاه سیاسی و تجاری آن در شاهنشاهی اشکانی»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، س ۴، ش ۱۶، ص ۱۱۳-۱۳۲.

نتیجه

کورنوکوپیا به عنوان مظهر و نشانه‌ای از برکت، فراوانی و نعمت همانند دیگر مضامین اساطیری یونانی به سرزمین‌هایی معرفی شد که به تصرف اسکندر و جانشینانش درآمدند. این نماد به واسطه‌ی خویشکاری مثبت، به عنوان عنصری ارزشمند حفظ شد. خویشکاری کورنوکوپیا یا شاخ نعمت در دوران اشکانی نیز ارج نهاده شد. حضور جامعه‌ی یونانی‌تبار در سلوکیه مجاور دجله که نزدیک‌ترین شهر به پایتخت اشکانیان به شمار می‌رفت، در کنار اهمیت درم‌خانه‌ی (ضراب‌خانه‌ی) سلوکیه و سبک یونانی‌مآبانه‌ی ضرب سکه که در این درم‌خانه تداوم داشت، زمینه را برای حفظ نمادهایی با پس‌زمینه‌ی فرهنگ یونانی فراهم کرد. تجسم کورنوکوپیا در دستان تیشه، اسطوره‌ای که واجد خویشکاری مشابه نانا و آناهیتا در فرهنگ ایرانی است، در مراسم اعطای قدرت به شاهنشاه اشکانی بر روی چهاردرهمی‌ها، یا به صورت منفرد بر کالکوی، از خویشکاری این نماد به عنوان بشارت‌دهنده‌ی خیر و برکت در دوران حکمرانی شاه به تخت نشسته، حکایت می‌کند. شاهک یا شاهزاده‌ی اشکانی در معبد هرکول مسجد سلیمان نیز با در دست داشتن کورنوکوپیا در یک دست و ریختن دانه‌های آیینی سنتی که در فرهنگ ایرانی مبین سلامتی و برکت است در دست دیگر، مراسم مذهبی را به جا می‌آورد. بدین ترتیب می‌توان چنین گفت که کورنوکوپیا به‌رغم منشا فرهنگی متفاوت، از رمزگان یکسانی در مراسم آیینی دوره‌ی اشکانی برخوردار می‌شود که آن بشارت فراوانی، نعمت، ثروت و برکت است و این مضمون از ارکانی است، که ساختار قدرت همواره به آن نیازمند بوده و از مهم‌ترین ابزار جلب حمایت و توجه عامه‌ی مردم و ایجاد آرامش ذهنی در ساختار اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌رود.

از سوی دیگر نمی‌توان نادیده انگاشت که در تفسیر نشانه‌شناختی این موضوع، کاربرد این نماد در «متون عینی» اشکانیان، به ویژه در منطقه میان‌رودان که محل استقرار یونانی‌تبارهای قلمروی اشکانیان بود، پیامی غیرمستقیم اما گویا را به این جامعه منتقل می‌کرد که مبین توجه به عناصر فرهنگی آنها و نیز بشارت‌دهنده فراوانی و برکتی بود که حکومت اشکانی به ارمغان می‌آورد.

منابع و مأخذ

- الیاده، میرچا (۱۳۷۵)، *اسطوره، رویا، راز*، ترجمه رویا منجم، تهران: فکر روز.
- ماسون، میخائیل یوگنیویچ ماسون؛ پوگاچنکووا، گالینا آناتولیونا (۱۳۸۳)، *ریتون‌های اشکانی نسا: پژوهشی از هیأت باستان‌شناسی JUTAK*، ترجمه شهرام حیدرآبادیان، تهران: ماکان.
- محمدی‌فر، یعقوب؛ خونانی، علیرضا (۱۳۹۲)، «خاراسن و جایگاه سیاسی و تجاری آن در شاهنشاهی اشکانی»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، س ۴، ش ۱۶، ص ۱۳۲-۱۱۳.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۹)، «نشانه‌شناسی و فرهنگ»، *نشانه‌شناسی فرهنگ (ی) مجموعه مقالات تقدیمی* ادبی - هنری، به‌کوشش امیرعلی نجومیان، تهران: سخن.
- واندنبرگ، لویی؛ شیپمان، کلاوس (۱۳۸۶)، *تقوش برجسته منطقه الیمایی در دوران اشکانی*، ترجمه یعقوب محمدی‌فر و آزاده محبت‌خو، تهران: سمت.
- Adkins, Lesley; Adkins, Roy A, (2004), *Handbook to Life in Ancient Rome*, New York, Facts on File.
- Alram, Michael; Parpola, Simo, *Tyche with Bread*, Available online: http://www.aakkl.helsinki.fi/melammu/database/gen_html/a0001528.php (accessed in October 3th, 2015)
- Apollodorus, (1921), *The Library*, with an English Translation by Sir James George Frazer, F.B.A., F.R.S. Cambridge, MA, Harvard University Press; London, William Heinemann Ltd.
- Aratus, (1921), "Phaenomena" in *Callimachus, Hymns and Epigrams, Lycophron, Aratus*, Translated by Mair, A. W. & G. R. Loeb Classical Library Volume 129, London: William Heinemann, available online: <http://www.etymonline.com/index.php?term=milk> (accessed September 10, 2015)
- Arrian of Nicomedia, (1933), *Anabasis of Alexander*, (ed. And tr.) Edgar Iliff Robson, London and Cambridge.
- Baker, James W, (2009), *Thanksgiving: the biography of an American holiday*. UPNE. pp. 1-14, Solski, Ruth "Canada's Traditions and Celebrations" McGill-Queen's Press.
- Bernard, O, (1985), "ĀY KĀNOM", *Encyclopaedia Iranica*, Vol. III, Fasc. 2, pp.124-126. available online <http://www.iranicaonline.org/articles/ay-kanom-or-a-khanum-tepe-a-local-uzbek-name-lit> (accessed on 23 September 2015)
- Bivar, A. D. H, (1983), "The History of Eastern Iran," *Cambridge History of Iran Vol. 3 (1) The Seleucid, Parthian and Sasanian Periods*, Edited by Ehsan Yarshater, Cambridge: Cambridge University Press, pp.181-232.
- Borumand, Safura (2016), "A Review on an Ancient Cultural Convergence: Case Study on Arsacid Creativity and Inventiveness in Interrelationship with Their Greek Origin Ethnic Group," *Creativity, Innovation, and Entrepreneurship Across Cultures: Theory and Practices*, (Eds.) Igor N. Dubina, Elias G. Carayannis, USA: Springer. Under Publication.
- Burton, Diana, (2011), *Hades: Cornucopiae, Fertility and Death*, p. 2; available online: <http://www.ascs.org.au/news/ascs32/Burton.pdf> (accessed in September 29, 2015)
- *Callimachus, Hymns and Epigrams. Lycophron. Aratus*, (1921), Translated by Mair, A. W. & G. R. Loeb Classical Library Volume 129, London: William Heinemann.
- Cornwell, Neil, (1992), "Lotman's Semiosphere," *Irish Slavonic Studies*, 13, pp.163-167.
- Daly, Kathleen N. (2009), *Greek and Roman Mythology A to Z*, New York, Chelsea House.
- Di Castro, Angelo Andrea, (2015), "Goat heads and goddesses in Swat, Gandhara and Kashmir and connected problems," *Asian Horizons, Giuseppe Tucci's Buddhist, Indian, Himalayan and Central Asian Studies*, edited by A. A. Di Castro and David Templman, Melbourne: Monash University Publishing, pp. 263-296.
- Diodorus Siculus, (1935), *Library of History*. (trs.) C. H. Oldfather, Loeb Classical Library, Cambridge, MA, Harvard University Press; London, William Heinemann Ltd.

- Downey, S. B. (1987), "Art in Iran iv. Parthian Art," *Encyclopaedia Iranica*, Vol. II, Fasc. 6, pp. 580-585.
- *Erastosthenes and Hyginus Constellation Myths with Aratus's Phaenomena*, (2015), a new translation by Robin Hard, Oxford: Oxford University Press.
- Errington, Elizabeth; Crib, Joe (1992), *The Crossroads of Asia: Transformation in Image and Symbol in the Art of Ancient Afghanistan and Pakistan*, Catalogue of an Exhibition at the Fitzwilliam Museum, Cambridge, The Ancient India and Iran Trust.
- Euripides, (1850), *The Tragedies of Euripides*, translated by T. A. Buckley. Bacchae. London. Henry G. Bohn.
- Gail, Adalbert, *Cornucopia non est nidhisrnga*, Freie Universitat Berlin, available online: https://www.academia.edu/7836648/cornucopia_non_est_nidhisrnga
- Groneberge, Brigitte (1986), "Die sumerisch-akkadische Inanna/Ištar. Hermaphroditos?." *Welt des Orients* 17, 25-46.
- Hansman, John, (1992), "Characene and Charax," *Encyclopaedia Iranica*, Vol. V. PP. 363-365. Available online: <http://www.iranicaonline.org/articles/characene-and-charax-spasinou-in-pre-islamic-times> (accessed 12 October 2015)
- Hard, Robin, (2004), *The Routledge Handbook of Greek Mythology*, based on H. J. Rose's *Handbook of Greek Mythology*, London & New York, Routledge.
- Hesiod, (1914), "Theogony" in *The Homeric Hymns and Homerica*, with an English Translation by Hugh G. Evelyn-White, Cambridge, MA.: Harvard University Press; London, William Heinemann Ltd.
- Hesiod, (1914), "Works and Days," *The Homeric Hymns and Homerica*, with an English Translation by Hugh G. Evelyn-White, Cambridge, MA., Harvard University Press; London, William Heinemann Ltd.
- Homer, (1924), *The Iliad*, Translated by Murray, A T. Loeb Classical Library Volumes 1. Cambridge, MA, Harvard University Press; London, William Heinemann Ltd.
- Hyginus, Gaius Julius, *Astronimica*, Part 2. 13 in *The Myths of Hyginus*, translated and edited by Mary Grant, University of Kansas Publications in Humanistic Studies, no. 34, Lawrence: University of Kansas Press, available online: <http://www.theoi.com/Text/HyginusAstronimica.html> (accessed September 8, 2015)
- Hyginus, Gaius Julius, *Fabulae*, CXXXIX. Available online: <http://www.theoi.com/Text/HyginusFabulae3.html> (accessed September 10, 2015)
- Lactantius, *Divine Institutes*, Book I (Of the False Worship of the Gods), Available online: <http://www.newadvent.org/fathers/07011.htm>
- Liberalis, Antoninus, (2001), *The Metamorphoses of Antoninus Liberalis*, New York: Routledge.
- Litvinsky, B. A, (2005), "Gandhāran Art," *Encyclopaedia Iranica*, Available Online: <http://www.iranicaonline.org/articles/gandharan-art> (accessed September 8, 2015)
- Lotman, Juri M, (2005), "On the Semiosphere," *Sign System Studies* 33, 1, pp. 206-229.
- Lotman, Yuri (Juri) M, (1990), *Universe of Mind: Semiotic Theory of Culture*. Translated by Ann Shukman, Introduction by Umberto Eco. London & New York: I. B. Tauris Publisher.
- Manassero, Niccolo, *Meaning of Rytha and Meanings of Old Nisa*, Turin University, S.A.A.S.T Department, available online: http://www.academia.edu/1207356/Meanings_of_rhyta_and_meanings_of_Old_Nisa (accessed September 8, 2015)
- Miller, Margaret C, (2002), "Greece ii. Greco-Persian Cultural Relations," *Encyclopaedia Iranica*, Vol. XI, Fasc.3, pp. 301-319, available online <http://www.iranicaonline.org/articles/greece-ii> (accessed 23 September 2014)
- Moti Chandra, (1964-1966), "Nidhisrriiga (*cornucopia*): A Study in Symbolism", *Prince of Wales Museum Bulletin*, No. 9, pp. 1-33.
- Murthy, Konakondla Krishna, (1977), *Nagarjunakonda: A Cultural Study*, Delhi: Naurang Rai.
- Noel, François, (1824), *Dictionnaire historique des personnages célèbres de l'antiquité: princes, généraux, philosophes, poètes, artistes, etc.; des dieux, héros de la fable; des villes, fleuves, etc.; avec l'étymologie et la valeur de leurs noms et surnoms; précé d'un essai sur les noms propres chez les peuples anciens et modernes*, Le Normant père. <http://perseus.mpiwg-berlin.mpg.de/cgi->

- bin/(lexindex?lookup=a)ma/lqaktos&lang=greek&display=
- Ovid, (1931), *Fasti*, Translated by Frazer, James George. Loeb Classical Library Volume, Cambridge, MA: Harvard University Press; London, William Heinemann Ltd.
 - Parpola, Simo, (1997), *Assyrian Prophecies*. State Archive of Assyria 9. Helsinki: Helsinki University Press.
 - Parpola, Simo, (2000), "Monotheism in Ancient Assyria." In: B. N. Porter (ed.). *One God or Many? Concepts of Divinity in the Ancient World*. Transactions of the Casco Bay Assyriological Institute 1. Casco Bay: The Casco Bay Assyriological Institute, 162-209.
 - Pausanias, (1918), *Description of Greece*, Translated by Jones, W. H. S. and Omerod, H. A. Loeb Classical Library Volumes. Cambridge, MA, Harvard University Press; London, William Heinemann Ltd.
 - Plutarch, (1936), *De Fortuna Alexandri*, in *Moralia* Vol. IV. (tr.) Frank C. Rabbitt, Cambridge: Harvard University Press.
 - Pseudo-Apollodorus, *Bibliotheca* 2. Available online: <http://abel.arts.kuleuven.be/148> (accessed in October 3th, 2015)
 - Sarkhosh Curtis, Vesta, (2006), "Investiture: ii. The Parthian Period," *Encyclopaedia Iranica*, Vol. XIII, Fasc. 2, pp. 180-188. Available online: <http://www.iranicaonline.org/articles/investiture> (accessed in October 3th, 2015)
 - Sarkhosh Curtis, Vesta, (2007), "Religious Iconography on Ancient Iranian Coins." *Proceedings of the British Academy* 133, 413-434.
 - Sellwood, David, (1980), *An Introduction to the Coinage of Parthia*, London: Spink & Son Ltd, Bibliography.
 - Simpson; C. J, (1997), *The Excavations of San Givanni Di Ruoti*, Volume II, The Small Finds, Toronto, London: University of Toronto Press.
 - Suidass.v. Aiges (trans. Suda On Line) <http://www.stoa.org/sol-bin/search.pl> Available online: (accessed September 10, 2015).
 - *The Greek Bucolic Poets*, (1912), Translated by Edmonds, J M. Loeb Classical Library Volume 28. Cambridge, MA. Harvard University Press.
 - *The Hymns of Orpheus*, (1792). Translated by Thomas Taylor, University of Pennsylvania Press, reprinted 1999.
 - Torop, Peeter, (1999), "Cultural Semiotics and Culture", *Sign System Studies*, Vol. 27, pp. 9-23, in the word version, available online: https://www.ut.ee/SOSE/sss/articles/torop_27.htm (accessed in September 12, 2015)
 - Zwalf, W, (1996), *A Catalogue of the Gandharan Sculpture in the British Museum*.
- <http://employees.oneonta.edu/farberas/arth/ARTH209/augustus.html> (accessed in October 3th, 2015)
 - <http://www.greek-gods.info/ancient-greek-gods/tyche> (accessed in October 3th, 2015)
 - <http://www.louvre.fr/en/oeuvre-notices/bas-relief> (accessed in October 3th, 2015)